

## رابطه عزت ملی و حمایت از جبهه مقاومت در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران در بیانیه گام دوم

حسین اکبری<sup>۱</sup>

اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

### چکیده

نظام جمهوری اسلامی ایران، براساس مبانی دینی و اصول قانون اساسی، از آغاز شکل‌گیری، به‌رغم مشکلات متعدد داخلی و خارجی، بر حمایت مادی و معنوی از جبهه مقاومت و نهضت‌های آزادی‌بخش تأکید کرده و در این راه هزینه‌ها و دستاوردهایی نیز داشته است. پیروزی‌های اخیر جبهه مقاومت فرصتی مناسب فراهم آورد تا از منظری ژرف، به تحلیل چرایی و مبانی فکری دولت مقاومت در حوزه سیاست خارجی و حمایت از جبهه مقاومت بپردازیم و نحوه ارتباط آن با «عزت و امنیت ملی کشورمان» را ارزیابی کنیم.

### واژگان کلیدی

عزت ملی، منافع ملی، دفاع مشروع، روابط خارجی، جبهه مقاومت



## مقدمه

از آنجا که اصول و قوانین نظام انقلابی از آموزه‌های دین مبین اسلام سرچشمه می‌گیرد، امام(ره) در جهان‌بینی انقلاب برخلاف نظر بسیاری از مصلحان معاصر که جهان را به دارالاسلام و دارالکفر تقسیم می‌کردند، جهان را به استضعاف و استکبار (سلطه‌گر و سلطه‌ستیز) تقسیم کردند. در این تقسیم‌بندی، اسلام برای هدایت، نجات و دفاع از حقوق بشر آمده است و مسلمانان وظیفه مبارزه با ظلم و دفاع از مظلوم را بر عهده دارند.

جمهوری اسلامی ایران از بدو شکل‌گیری تا کنون، اهداف خود را به برپایی حکومت اسلامی در ایران منحصر نکرده است، بلکه خود را موظف به آزادی و بیداری سایر ملل مظلوم جهان و حمایت از حقوق آنان می‌داند. برای تحقق عملی حاکمیت ملی، دولت به نمایندگی از همه مردم، موظف به ایفای «تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و مستضعفان جهان» است. به همین دلیل، نه تنها موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی تنظیم کند، بلکه در اعمال سیاست خارجی باید دفاع از همه مسلمانان و مستضعفان جهان را مورد توجه قرار دهد. در این رابطه تلاش‌های چهار دهه گذشته یا گام اول نظام اسلامی ایران حمایت از ملت‌ها و دولت‌های تحت ظلم به ویژه ملت‌های فلسطین، عراق، سوریه، یمن و... بوده است. این اقدامات از منظر حقوق بین‌الملل و مبانی فقهی، دارای منطق و قابل دفاع است و به عنوان دفاع مشروع پذیرفته و جزء وظایف دینی و انسانی دولت‌ها و ملت‌ها قلمداد شده است. بنابراین اقدامات جمهوری اسلامی ایران در حمایت از جبهه مقاومت، علاوه بر مشروعیت و لزوم دفاع از جبهه مقاومت در مقابل تجاوز بیگانگان، به عنوان بخشی از وظایف مسلم دولت‌های اسلامی نیز تلقی می‌شود.

بر این اساس نظام انقلابی ایران در گام دوم انقلاب درصدد حفظ و گسترش عزت و منافع ملی خود با استفاده از بستر روابط خارجی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های مقاومت در مرزبندی با دشمن و ائتلاف با هم‌پیمانان خود در جبهه مقاومت و جهان است. در این راهبرد، چشم‌انداز تمدن نوین اسلامی دیده شده که قرار است در افق مطلوب، شایستگی‌های بشری از طریق حاکمیت ارزش‌های الهی حاکم شود تا بشریت از بحران ناامنی و بی‌اخلاقی نجات یابد. در این تحقیق رابطه عزت ملی و حمایت از مقاومت در بستر سیاست و روابط خارجی جمهوری اسلامی برای تحقق گام دوم انقلاب در ائتلاف و مرزبندی با دوستان و دشمنان مورد توجه قرار گرفته است.



## مفاهیم و ادبیات تحقیق

### ۱. امنیت ملی و عزت ملی

امنیت ملی<sup>۱</sup> به توانایی یک ملت برای حفاظت از ارزش‌های داخلی در مقابل تهدیدهای خارجی گفته می‌شود (ابراهیمی فرد، ۱۳۸۱: ۱۱). در این تعریف مهم‌ترین راهکار تأمین امنیت ملی، توانایی یک ملت و تأکید بر عنصر ملت دانسته شده و ارزش‌های داخلی نیز متأثر از نظریه ژان بدن، یعنی حفظ حاکمیت، حکومت، سرزمین و مردم قابل تفسیر است. در تعریفی دیگر، امنیت ملی نبود تهدید نظامی برای ملت یا توان نگهداری کشور از هجوم دشمنان یا محافظت کشور در رفع تهدیدهای خارجی علیه حیات سیاسی و منافع ملی است (قوامی، ۱۳۸۶: ۱۳).

عزت ملی<sup>۲</sup> تأمین منافع و عزت ملی کشور از اهداف و وظایف مهم سیاست خارجی است. در بررسی نحوه تعامل و تأثیرگذاری وظایف حکومت اسلامی در قبال مقاومت با عزت و امنیت ملی کشورمان، شناخت صحیح مفهوم منافع ملی و امنیت ملی و چگونگی تأمین آن در جهان کنونی نقشی اساسی دارد. مقام معظم رهبری در این باره فرمودند: «عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن، این هر سه، شاخه‌هایی از اصل «عزت، حکمت و مصلحت» در روابط بین‌المللی اند. صحنه جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق‌یافته یا در آستانه ظهورند: تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه، اینها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید. سردمداران نظام سلطه نگرانند؛ پیشنهادهای آنها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است» (بیانات رهبری، ۱۳۹۸/۱۱/۲۲).

ایشان در مورد قدرت ملت ایران نیز فرمودند: «احساس هویت و عزت اسلامی - که امروز به برکت پیروزی انقلاب اسلامی در جهان اسلام نمودار شده است، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت ملت ایران است که باید در مناسبات بین‌المللی حتماً به آن توجه شود» (بیانات رهبری، ۱۳۸۴/۱۲/۲۴).



### الف) مفهوم منافع ملی

در مورد مفهوم منافع ملی<sup>۱</sup> تعاریف و نظریه‌های گوناگونی وجود دارد اما در یک جمع‌بندی می‌توان گفت: «منافع ملی، هدف‌های عام و ماندگاری است که یک ملت برای دستیابی به آنها تلاش می‌کند.» براساس این تعریف، منافع ملی، مفهومی وسیع است که تنها به معنای حفظ استقلال ملی و تمامیت ارضی و اهداف صرفاً مادی و منحصر در مرزهای جغرافیایی نیست، بلکه حیطه وسیعی است که دستیابی به اهداف ایدئولوژیک، انرژی، منابع، مواد خام، فناوری جدید، توسعه اقتصادی، منطقه نفوذ، دفاع از اتباع خود در خارج از مرزها، دفاع از هویت فرهنگی خویش و... را نیز دربرمی‌گیرد. با وجود این، دو دیدگاه متفاوت منافع ملی را می‌توان چنین تعریف کرد: «هدف‌های عام و ماندگاری که یک ملت برای دستیابی به آنها تلاش می‌کند.» طبق این تعریف، منافع ملی، مفهومی وسیع است که تنها به معنای حفظ استقلال ملی و تمامیت ارضی نیست و ممکن است حیطه‌ای وسیع را که شامل دستیابی به انرژی، منابع مواد خام، فناوری جدید، توسعه اقتصادی، منطقه نفوذ و دفاع از اتباع خود در خارج از مرزها و... است در خود جای دهد» (روشندل، ۱۳۷۴: ۳۸).

### ب) جهانی شدن منافع ملی

در دوران جدید و روند جهانی شدن در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، اطلاعاتی و... ساختار نظام بین‌الملل، قواعد و فرایندهای بین‌المللی دچار تحولاتی اساسی شده است و مفهوم منافع ملی صرفاً دربرگیرنده مرزهای ملی نیست، بلکه دولت‌ها ناگزیرند برای تأمین منافع ملی خویش، بیش از گذشته، به محیط عملیاتی و متغیرهای مربوط به بستر جهانی شدن توجه کنند (مجله‌پگاه حوزه، ۱۳۸۵، ش ۱۹۶).

### ج) ارزش‌های ملی<sup>۲</sup>

واژه ارزش در زبان فارسی اسم مصدر ارزیدن و دارای معانی قدر و مرتبه، استحقاق، لیاقت، شایستگی و زیندگی است. ارزش خاصیتی است که چیزی را مورد پسند و قابل احترام می‌کند (تامس، آلن، ۱۳۸۳: ۴۶). ارزش ملی عبارت از عناصر تشکیل‌دهنده هویت ملی و

1. National Interest  
2. National Value



منافع ملی یک کشور است. گیدنز معتقد است: به احساساتی که باعث ایجاد خوشی در افراد یا سبب دور کردن افراد از رنج می‌شود ارزش می‌گویند و برعکس آن ضد ارزش‌ها هستند. در واقع احساسات و رفتارهای نامناسبی که سبب ایجاد خوشی در افراد نشوند، ضد ارزش هستند. برای مثال با رسیدن به موفقیت، شخص احساس خوشحالی می‌کند؛ پس یک ارزش محسوب می‌شود و با اذیت کردن، برخی افراد احساس لذت می‌کنند که این هم ضد ارزش است (گیدنز، ۱۳۷۶: ۲۳۸).

در کشور ما، به دلیل وجود نظام سیاسی مبتنی بر آموزه‌های دینی، منافع دینی با منافع ملی پیوندی تنگاتنگ دارد و اصولاً نمی‌توان این دو را از هم تفکیک کرد. این‌گونه نیست که منافع ملی فقط منافع مادی و دنیایی باشد و در حوزه کاری سیاستمداران بگنجد. علاوه بر مسائل سیاسی و بین‌المللی، مسائلی معنوی مثل ارزش‌ها، باورها و عقاید ملت، منافع ملی ما به حساب می‌آیند. تلاش برای کسب استقلال سیاسی و فرهنگی طی انقلاب و پس از آن را می‌توان حوزه تعامل منافع ملی و منافع دینی دانست. به صورت طبیعی، بسیاری اهداف ملت‌ها، به خصوص اهداف ایدئولوژیکی نظام‌هایی نظیر سوسیالیسم، لیبرالیسم و اسلام در مرزهای خاصی محدود نمی‌شود؛ از این رو دایره منافع ملی آنان فراتر از مرزهای جغرافیایی تعریف می‌شود (پگاه حوزه، ۱۳۸۵، ش ۱۹۶).

#### د) ارزش‌گرایی دینی در امنیت ملی

نقش دین در شکل‌گیری و شکوفایی تمدن بشری از دیدگاه بسیاری از مورخان و جامعه‌شناسان ادیان انکارناپذیر است. پیامبران الهی پیام‌آوران خوشبختی دنیوی مردم در کنار سعادت اخروی آنها بوده‌اند. در نگاه قرآن، سرلوحه تعلیمات انبیا علاوه بر ایمان به غیب و عبودیت پروردگار، دعوت بشر به عدالت و مبارزه با هرگونه ظلم، تبعیض، استبداد، اختناق، اسارت‌های اجتماعی و سیاسی، برقراری امنیت و حاکمیت عدل و حق، تعلیم و تربیت و خودسازی، آزادی فکری و روحی از خرافات و عقاید باطل، روشن‌بینی و واقع‌نگری و فرجام‌بینی و نیز احساس مسئولیت در برابر بیچارگان و مستضعفان است. دین اسلام پیش‌شرط اصلی سلامت و سعادت اجتماع انسانی را در اعتقاد به خدا و استقرار امنیت می‌داند. این نیاز به امنیت تا آنجا ارزشمند است که حتی امنیت بر معیشت تقدم یافته است؛

چنان که امام علی (ع) می‌فرماید: «نعمتی گواراتر از امنیت نیست» (غررالاحکم، ۱۳۸۳: ۴۳۵). با این توصیف، به میزانی که امنیت در حوزه فردی و اجتماعی قوام و استقرار می‌یابد، به همان میزان شادابی، سرزندگی، پویایی و شکوفایی در انسان‌ها و اجتماع آنان تبلور می‌یابد و احساس خوشایند امنیت جلوه‌گر می‌شود. بدین لحاظ، رویش احساس امنیت مبتنی بر ارتقای سطح ارزش‌گرایی دینی جامعه است که می‌تواند تأثیر مستقیمی بر امنیت جامعه و در نهایت امنیت ملی داشته باشد؛ چنان که یکی از آثار و برکات ایمان، رسیدن به مقام امن و امنیت است. یعنی یکی از ویژگی‌های فرد مؤمن و جامعه مؤمنان این است که در برابر حوادث و عوامل تهدیدکننده و بیم‌دهنده، خوف و دغدغه‌ای احساس نمی‌کنند و از زندگی آسوده و مطمئنی برخوردارند. «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ»: «آنها که ایمان آوردند و ایمان خود را به ظلم نیالودند، برای آنها ایمنی و آسودگی است و هم آنها به حقیقت هدایت یافته‌اند» (انعام/۸۲).

#### ه) امنیت‌بخشی ارزش‌های دینی

یکی از شاخص‌های مهمی که در پایداری و استمرار وجودی جوامع بشری نقشی بنیانی دارد، امنیت گروهی است. امنیت پایدار خود مبتنی بر ارزش‌هایی است که بنیان هر جامعه‌ای بر آنها نهاده شده است. در میان ارزش‌های موجود در جوامع، ارزش‌های دینی از امنیت‌بخشی مؤثری برخوردارند. در همین زمینه برینر، از دانشمندان معاصر، هم بر این واقعیت تأکید می‌کند و می‌نویسد: «در دوره‌های گذشته حکومت‌های دینی که بر پایه ارزش دینی قرار داشته‌اند از امنیت بیشتری نسبت به جوامع سکولار امروزی برخوردار بوده‌اند» (برینر، برت. اف، ۱۳۷۵: ۴۸). امام علی (ع) فرمودند: «الحمد لله الذي شرع الاسلام... فجعله امنا لمن علقه» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱): «سپاس خدای را که راه اسلام را گشود... و آن را برای هر که به آن چنگ زد، مایه امنیت قرار داد».

#### و) منافع ملی جمهوری اسلامی ایران

از دیدگاه برخی متفکران روابط بین‌الملل، در صورت‌بندی منافع ملی باید متغیرهای متعددی را در نظر گرفت: «ویژگی‌ها، شخصیت و آرمان‌های تصمیم‌گیران، انواع فلسفه‌های حاکم



بر ساختارها و فرایندهای حکومتی، آداب و رسوم و قالب‌های فرهنگی جوامع مختلف، موقعیت ژئوپلیتیکی و توانایی‌های کشورهای گوناگون و...». بر این اساس در یک جمع‌بندی می‌توان محورهای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را چنین برشمرد: اسلامیت نظام، جمهوریت نظام، حمایت از جبهه مقاومت، تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، وحدت ملی، معیشت ضروری مردم، نظام و امنیت عمومی جامعه، کیان اسلام و تشیع در جهان، استقلال سیاسی، پرستیژ و افتخارات ملی، تعمیم عدالت و رفاه، صلح و امنیت بین‌المللی، حفظ محیط زیست» (پگاه حوزه، ۱۳۸۵، ش ۱۹۶). در حقیقت ایجاد جمهوریت در ایران، آن هم با یک ماهیت دینی، کلید موفقیت برای حکومت مرکزی در چرخش مناطق و اگر به مناطق همگرا شد. استقلال‌خواهی و جدایی‌طلبی به چانه‌زنی و سهم‌خواهی در تقسیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های ملی، منطقه‌ای و محلی تغییر یافت. مشارکت مردم قلمروهای حاشیه‌ای با انتخاب نماینده برای مرکز تصمیم‌گیری‌های ملی (مجلس شورای اسلامی) آغاز شد و با تصویب قوانینی به نفع مناطق محروم رو به گسترش نهاد. اوج همگرایی ملی سهم‌بری داوطلبانه در طول جنگ میان ایران و عراق مشاهده می‌شود. در این دوره مفهوم قلمرو مؤثر ملی نه برحسب توسعه اقتصادی بلکه برحسب تمامیت‌خواهی ارضی قلمرو ملی، ادراک شد. استمرار جمهوریت اسلامی در ایران هنوز هم همگرایی ملی را تقویت می‌کند (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۵: ۹).

### ز) تأمین امنیت ملی در حوزه فراملی

نکته مهمی که در چگونگی تأمین امنیت ملی در جهان کنونی نیازمند ترجمه جدی است اینکه در یک تقسیم‌بندی، جنگ‌ها به دو دسته «جنگ‌های قلعه‌ای» و «جنگ‌های میدانی» تقسیم می‌شوند. تمدن غرب با استفاده از عقلانیت یونانی و تجارب تاریخی، در ماجراهایی نظیر «افسانه هومر» و ماجرای خدعه «اسب تروا» آموخته است که راهبرد دفاعی جنگ قلعه‌ای ناکارآمد و بسیار آسیب‌پذیر است. شکست قلعه‌نشین در یک جنگ قلعه‌ای یعنی از دست دادن همه دارایی‌ها و هتک شدن همه حرمت‌ها؛ در حالی که شکست در یک جنگ میدانی، حداکثر به معنی یک خسران مادی است که جبران‌پذیر است. از این رو غربی‌ها پس از فهم تاریخی تمایز جنگ میدانی و جنگ قلعه‌ای، در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، با



همین ترفند به سمت استعمار ممالک دوردست تغییر جهت دادند؛ یعنی جنگ‌های میدانی، در میدان‌هایی هر چه دورتر. بر این اساس، استعمار یعنی جابه‌جایی مرزهای امنیتی، اقتصادی و حکومتی از مرزهای جغرافیایی که نهایت صرفه و بهره‌برداری را برای استعمارگران داشت. آنان عملاً جنگ را در میدانی خارج از خانه طراحی و تعقیب کردند نه در قلعه.

طبق چنین دیدگاهی، امروز آمریکا امنیت داخلی و منافع ملی خود را در خارج از مرزهای جغرافیایی خویش تعریف کرده است و جنگ را از قاره‌ای به قاره دیگر می‌کشد و ویتنام، فلسطین، افغانستان، عراق و لبنان را میدانی برای جنگ با هدف تأمین امنیت و منافع ملی خویش می‌سازد. با اینکه این کشور هیچ‌گاه حاضر نخواهد شد با کوبا وارد درگیری نظامی شود و عملاً قلعه‌اش را در معرض حمله قرار دهد، اما در جنگ میدانی، رژیم صهیونیستی را در نبرد غرب آسیا محور قرار داده است. از این رو، این رژیم نه تنها سالانه رقم هنگفتی بالغ بر سه میلیارد دلار به عنوان کمک خارجی از آمریکا دریافت می‌کند، بلکه آمریکا ۲۰ درصد از یارانه مورد نیاز ارتش رژیم صهیونیستی را تأمین می‌کند. در واقع رژیم صهیونیستی در قبال مهار و تحمل تهدیدها علیه آمریکا و غرب، با به خطر انداختن امنیت شهروندانش در جهان اسلام، از آمریکا و غرب طلب مزد می‌کند (پگاه حوزه، ۱۳۸۵، ش ۱۹۶). در حالی که اصولاً اسلام هر نوع ایجاد وحشت و هراس را در دل انسان‌هایی که مرتکب خلافی نشده‌اند ظلم و تجاوزی بس بزرگ تلقی می‌کند و آن را از جرایم می‌شمارد (عمید زنجانی، ۱۳۷۵: ۴۱۲)، با این حال در تقابل غرب با جهان اسلام، رژیم صهیونیستی در خط مقدم غرب قرار دارد.

### ح) نقش مقاومت در تأمین عزت و امنیت ملی

عزت از جمله مفاهیمی است که با مفاهیم دیگری نظیر کرامت، قدرت و اقتدار قرابت معنایی دارد؛ به عبارتی، هریک زمینه‌ساز تحقق دیگری است. در قرآن، عزت متعلق به خدا، رسولش و مؤمنین است: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون/۸)؛ از این رو، عزت متعلق به مؤمن است. او تنها کسی است که با همه وجود، در مقابل هر چیزی که بوی شیطنت و ظلم و فساد می‌دهد، مبارزه و مقاومت می‌کند و فقط بنده خداست و غیر او را بندگی نمی‌کند. به تعبیری امنیت ملی عبارت است از شرایطی که در آن منافع ملی و ارزش‌های داخلی یک ملت از گزند خطرها و تهدیدهای داخلی و خارجی دور نگاه داشته شود. به گفته دیگر،





توان جامعه در حفظ و پیگیری منافع ملی و بهره‌گیری از فرهنگ و ارزش‌های داخلی دور از تهدیدهای داخلی و خارجی را «امنیت ملی» می‌گویند. این امنیت، نزد هر ملتی تفسیر ویژه آن ملت را دارد (مجتهدزاده، ۱۳۸۰: ۱۲۵).

اکنون با شناخت صحیح مفهوم منافع ملی و امنیت ملی و چگونگی تأمین آنها، به نقش مقاومت اسلامی در تأمین منافع و امنیت ملی کشورمان پی می‌بریم. هر چند نگاه جمهوری اسلامی در سیاست خارجی خویش در قبال مقاومت اسلامی و نهضت‌های آزادی‌بخش، نگاهی کاملاً انسان‌دوستانه و در راستای انجام وظایف ایدئولوژیکی و مکتبی است، اما این موضوع هیچ‌گونه امتناعی از تأمین امنیت و منافع ملی کشورمان و همچنین سایر کشورهای اسلامی و منطقه در قبال این حمایت‌ها توسط مقاومت اسلامی ندارد. به عبارت دیگر، نه تنها میان وظایف ایدئولوژیکی دولت اسلامی با منافع ملی کشورمان تعارضی نیست، بلکه این دو می‌توانند در تعامل و هماهنگی با یکدیگر عمل کنند. در حقیقت حمایت از مقاومت نه تنها جنگ قلعه‌ای با دشمن است، بلکه تنها راه تقابل با این نظام سلطه، جبهه‌سازی است.

## ۲. جبهه مقاومت

اندیشه مقاومت برگرفته از مبانی ادیان الهی و نیاز فطری انسان و حداقل حقوق جوامع بشری است. بنابراین امروز تنها مانع بزرگ در مقابل زیاده‌خواهی‌های نظام سلطه و تنها امکان حمایت از مسلمانان و مستضعفان و امنیت‌بخش در منطقه و جهان اندیشه مقاومت است که اگر نبود، امنیت جهان و حیثیت جهان اسلام توسط آمریکا و رژیم صهیونیست به یغما رفته بود. اگر ایستادگی مقاومت در مقابل داعش نبود، امروز داعش بسیاری از کشورهای اسلامی را اشغال کرده بود و همچون سال‌های گذشته نامنی را در شهرهای اروپا توسعه داده بود.

در این رابطه در دیدگاه رهبر انقلاب مخالفت با سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و حمایت از مظلومان و طرفداری از اسلام از جمله اصول مستحکم سیاست خارجی است آنجا که می‌فرمایند: «دفاع از مظلوم، همیشه یک نقطه درخشان است. کنار نیامدن با ظالم، رشوه‌پذیرفتن از زورمند و زرمند، پافشاردن بر حقیقت، اینها چیزهایی است که هیچ وقت در دنیا کهنه نمی‌شود. اینها را باید دنبال کنیم. اصول اینهاست» (بیانات رهبری، ۱۳۸۰/۸/۱۶). ایشان در ضرورت و اهمیت مقاومت فرمودند: «امروز در منطقه ما، منطقه غرب آسیا، کلمه



مشترکِ ملت‌ها مقاومت است؛ مقاومت را همه قبول دارند. البته بعضی جرئت می‌کنند وارد میدان مقاومت بشوند، بعضی جرئت نمی‌کنند؛ اما آن کسانی هم که جرئت می‌کنند کم نیستند. همین شکست‌هایی که در این چند سال، آمریکایی‌ها در عراق و در سوریه و در لبنان و در فلسطین و مانند اینها داشتند، محصول مقاومت گروه‌های مقاومت است. جبهه مقاومت، امروز یک جبهه قوی است» (بیانات رهبری، ۱۳۹۸/۳/۱۴). همچنین با اشاره به شاخص‌های قوت جهان اسلام فرمودند: «یکی از مصادیق قوت را امروز دنیای اسلام دارد مشاهده می‌کند و آن، راهپیمایی اربعین است؛ «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ». راهپیمایی اربعین قوت اسلام است، قوت حقیقت است، قوت جبهه مقاومت اسلامی است که این جور اجتماع عظیم میلیونی راه می‌افتند به سمت کربلا، به سمت حسین، به سمت قلّه و اوج افتخار، فداکاری و شهادت که همه آزادگان عالم باید از او درس بگیرند» (بیانات رهبری، ۱۳۹۸/۷/۲۱). «در جهان اسلام هم بیداری اسلامی، فروریختن ترس ملت‌ها از ابرقدرت‌ها و احساس هویت توده‌های مسلمان از آثار گرانقدر انقلاب اسلامی و پایداری ملت ایران است» (بیانات رهبری، ۱۳۸۳/۵/۲۵). معظم له با اشاره به تغییرات اساسی که در هندسه معرفتی و سیاسی جهان ایجاد شده است، می‌افزاید: «امروز لیبرال دموکراسی غرب در افکار عمومی ملت‌ها با مخالفت‌های روزافزون مواجه شده است و با افزایش نفرت جهانی از آمریکا، دولت این کشور در حضيض شکست سیاسی قرار دارد و در دنیا عملاً منزوی شده است» (بیانات رهبری، ۱۳۸۳/۵/۲۵).

بارونمایی جبهه مقاومت از دستاوردهای جدید خود در محور مبارزه با «شرارت منطقه‌ای» و همچنین شکست راهبردهای آمریکا در منطقه، می‌توان اغتشاشات اخیر در عراق، لبنان و سوریه را گوشه‌ای از برنامه مثلث غربی-عربی-عربی‌ای دانست که مدت‌ها بود برای تجزیه و تحلیل قوای نیروی مقاومت و در رأس آنها جمهوری اسلامی ایران برنامه‌ریزی شده بود. برنامه اصلی آمریکا در منطقه علیه «قلب محور مقاومت» یعنی جمهوری اسلامی ایران است که با در اختیار داشتن بازوان قدرتمند منطقه‌ای همچون حزب‌الله لبنان، حشد الشعبی عراق و انصارالله در یمن، تهدیدی جدی علیه منافع آمریکا، رژیم صهیونیستی و کشورهای هم‌پیمان منطقه‌ای آن محسوب می‌شود و به قدرت بلامنازع منطقه تبدیل شده است.



راهبرد «نسل چهارم جنگ‌ها» از موضوعات علوم راهبردی است. اخیراً در آخرین کنفرانس هرترلیا در تل‌آویو با ۲۹ نشست تخصصی در موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی درباره این راهبرد بحث و گفت‌وگو شد. در این کنفرانس راه‌های مقابله با افزایش نفوذ معنوی و نظامی ایران در منطقه نیز بررسی شد تا با استفاده از ابزار و قابلیت‌های آن، مدیریت میدانی اعتراضات در عراق و لبنان را بر عهده گیرند و در نهایت محور مقاومت در منطقه را تضعیف کنند.

ترکیه و عربستان به عنوان بازیگر و آمریکا و رژیم صهیونیستی به عنوان بازیگردان در راهبرد «نسل چهارم جنگ‌ها» با بهره‌گیری از نظریه برژینسکی که «خروج ایران از اردوگاه آمریکا به واسطه انقلاب اسلامی» را باعث برهم‌زدن موازنه قدرتی ابرقدرت‌ها می‌دانست، با ابزار فضای مجازی به واسطه ایجاد شبکه‌های ارتباطی، مدیریت اعتراضات و همچنین پوشش ناشناس و البته امن اما لحظه به لحظه اتفاقات، قصد تفوق در ازهم‌پاشیدگی محور مقاومت را دارند تا آسیمی جدی به قلب محور مقاومت، یعنی جمهوری اسلامی ایران که اکنون حتی با وجود روسیه، به قدرت معنوی و نظامی بلامنازع منطقه تبدیل شده است، وارد آورند.

### ۳. روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران

هر انسانی از لحاظ فطری با ظلم و سلطه دیگران مخالف و با عدالت موافق است. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم با تأکید بر فطری بودن شعارهای انقلاب فرمودند: «برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثناست. آنها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است. آزادی، معنویت، اخلاق، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری هیچ‌یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند» (بیانات رهبری، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). ایشان در تبیین سیاست خارجی فرمودند: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه تسلط‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل دول غیرمحارب استوار است» (سهرابی، ۱۳۸۴: ۴۰). معظم له



در دیدار با مسئولان وزارت خارجه بر لزوم ابتکار عمل، مهارت، هوشمندی، سرعت عمل، پیگیری و برنامه‌ریزی جامع و تفصیلی در دستگاه دیپلماسی کشور تأکید و تصریح می‌کنند: «مهم‌ترین اصل در سیاست خارجی حمایت از هویت نظام اسلامی و پافشاری بر اصول و ارزش‌هاست. جمهوری اسلامی ایران اصول و ارزش‌های خود را که عزت ملی است با هیچ چیز معاوضه نخواهد کرد» (بیانات رهبری، ۱۳۸۲/۵/۲۹). همین‌طور در جای فرمودند: «خط امام در سیاست خارجی عبارت است از طرفداری از ملت‌ها و مقابله با ابرقدرت‌ها. خط امام در سیاست خارجی، نه شرقی و نه غربی است. امام به سود هیچ ابرقدرتی با ابرقدرت دیگر نمی‌جنگد. امام با هر قدرت فائقه‌ای که بخواهد ملت‌ها را به اسارت و به زنجیر بکشد مبارزه و مقابله می‌کند. موضع‌گیری امام در سیاست خارجی حمایت از همه جنبش‌هایی است که علیه ظلم و بیداد در سراسر جهان مجاهدت و فداکاری می‌کنند» (بیانات رهبری، ۱۳۵۸/۱۱/۱۲). امام فرمودند: «هیچ محدودیتی در چارچوب اصول برای ما در سیاست خارجی وجود ندارد. ما هیچ گردن‌کلفتی و ژست ابرقدرتی را از هیچ‌کس قبول نمی‌کنیم. هر کس بخواهد برخورد قلدرمآب ابرقدرتی با ما حرف بزند، ما حرف او را به خودش بر می‌گردانیم» (بیانات امام(ره)، ۱۳۶۶/۲/۱۸). مقام معظم رهبری در زمینه بازدارندگی فرمودند: «... چقدر جنگ‌هایی که می‌توانسته شروع بشود، اما با اقتدار دیپلماسی شروع نشده، چقدر تهاجم‌ها و توطئه‌هایی که شکل گرفته بود، اما با اقتدار دیپلماسی جلوی آنها سد شده، چقدر توطئه در زمینه افکار عمومی دنیا طراحی شده بود و ابتکار دستگاه‌های دیپلماسی، پرکاری آنها، توجه آنها، به‌روز بودن آنها، بهنگام عمل کردن آنها، توانسته این توطئه را خنثی کند و از بین ببرد» (بیانات رهبری، ۱۳۷۹/۶/۶). مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب با اشاره به تقابل دوگانه جدید اسلام و استکبار فرمودند: «انقلاب ملت ایران جهان دوقطبی را به جهان سه‌قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت، تقابل دوگانه جدید اسلام و استکبار، پدیده برجسته جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد» (بیانات رهبری، ۱۳۵۸/۱۱/۱۲).



## الف) اصول سیاست خارجی در قانون اساسی

اصول سیاست خارجی قابل استخراج از قانون اساسی جمهوری اسلامی عبارت است از:

- سعادت انسان در کل جامعه بشری (اصل ۱۵۲)؛
- تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام (اصل ۳)؛
- حمایت از مبارزات حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه جهان (اصل ۱۵۴)؛
- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی (اصل ۲)؛
- خودداری از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر (اصل ۱۵۴)؛
- تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان (اصل ۳)؛
- ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی و وحدت جهان اسلام (اصل ۱۱)؛
- دفاع از حقوق همه مسلمانان جهان (اصل ۱۵۲)؛
- نفی هر گونه ستمگری و ستم‌کشی (اصل ۲)؛
- نفی هر گونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری (اصل ۲)؛
- عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر (اصل ۱۵۲)؛
- جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور (اصل ۴۳)؛
- استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (اصل‌های ۲ و ۳)؛
- طرد کامل استعمار (اصل ۳)؛
- جلوگیری از نفوذ اجانب (اصل ۳)؛
- روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحارب (اصل ۱۵۳)؛
- اعطای پناهندگی به پناهجویان سیاسی سایر ملل از جور دولت‌هایشان (اصل ۱۵۵)؛
- نفی و اجتناب از پیمان‌هایی که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی، اقتصادی، فرهنگی و ارتش شود (اصل ۱۵۳).



### ب) مرزبندی با دشمن در روابط خارجی

مقام معظم رهبری در رابطه با عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن در بیانیه گام دوم انقلاب فرمودند: «این هر سه، شاخصه‌هایی از اصل عزت، حکمت و مصلحت در روابط بین‌المللی‌اند. صحنه جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق یافته یا در آستانه ظهورند: تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه اینها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید. سردمداران نظام سلطه نگرانند؛ پیشنهادهای آنها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است. امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایت‌کار، تعدادی از دولت‌های اروپایی را نیز خدعه‌گر و غیر قابل اعتماد می‌داند. دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آنها بادقت حفظ کند؛ از ارزش‌های انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد و در همه حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکمیانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند. در مورد آمریکا حل هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت» (بیانات رهبری، ۱۳۵۸/۱۱/۱۲).

بنابراین در جهان کنونی، کشورها به چهار گروه تقسیم می‌شوند: کشورهای سلطه‌گر (آمریکا و...)، سلطه‌پذیر (سعودی و...)، سلطه‌ستیز (جبهه مقاومت و...)، بی‌طرف یا خنثی (اندونزی و...). در این تقسیم‌بندی، جمهوری اسلامی باید با جبهه مقاومت و سلطه‌ستیزان و آزادی‌خواهان ائتلاف تشکیل دهد و از آنها حمایت کند؛ با کشورهای بی‌طرف روابط را تقویت کند؛ در مقابل سلطه‌پذیران از موضع روشنگری و ... موضع تعاملی اتخاذ کند و در مقابل سلطه‌گران ایستادگی کند.



## چارچوب نظری تحقیق

### ۱. تأثیر هویت اجتماعی بر دولت‌ها

سازه‌انگاران در حوزه روابط و سیاست بین‌الملل، رویکردی هویت‌محور به سیاست خارجی دارند و به جای تأکید بر توانایی دولت‌ها یا توزیع قدرت به عنوان ویژگی اصلی ساختار نظام بین‌الملل، بر خلاف جریان اصلی خردگرا، بر هویت دولت‌ها تمرکز می‌کنند و معتقدند هویت‌ها اموری مسلم و قطعی نیستند، بلکه اموری هستند که به دست انسان‌ها ایجاد می‌شوند و چون انسان‌ها آنها را ایجاد کرده‌اند، ممکن است به‌گونه‌ای دیگر نیز ایجاد شوند (Hopf, 2000:175). بنابراین رویکرد سازه‌انگاری، هویت دولت‌ها در تعامل با یکدیگر به وسیله مشارکت در معانی و از درون یک دنیای اجتماعی تکوین‌یافته پدید می‌آید و می‌تواند تغییر کند. اگر مشاهده شود برخی گونه‌های هویت و منافع می‌توانند به امری پایدار تبدیل شوند، این به معنای لایتغیر بودن آنها نیست (بیلیس، اسمیت و دیگران، ۱۳۸۳: ۵۵۲)، بلکه در شرایط دیگری امکان تغییر آنها وجود دارد. از نظر سازه‌انگاران، با اینکه واقعیات مادی کماکان حائز اهمیت‌اند، اما آنچه به آنها معنا می‌بخشد زمینه‌های اجتماعی است (اسمیت، هدفیالد و دان، ۱۳۹۱: ۱۵۴). بنابراین، آنان معتقدند هویت در انتخاب‌های سیاست خارجی تأثیری محوری دارد و به وسیله آن، شناخت از تفاوت یا شباهت با دیگران به دست می‌آید (کوبالکوا، ۱۳۹۲: ۲۹۷)؛ زیرا این هویت به منافع معنا می‌بخشد. سازه‌انگاری، هم به ویژگی‌های مکاتب خردگرا و اثبات‌گرا اهمیت می‌دهد و هم با تمرکز بر معانی که بازیگران به رفتار خود می‌دهند و با تأکید بر ایده‌ها، باورها، ساختارهای هنجاری و تمرکز بر شکل‌گیری هویت بازیگران، به نظریه‌های واکنش‌گرا نزدیک می‌شود و در واقع در میانه دو رهیافت پیش‌گفته قرار می‌گیرد (Smith, 1997:168). سازه‌انگاران به جای توجه به ساختارهای مادی، اهمیت را به ساختارهای هنجاری، ایده‌ای و فکری می‌دهند و بر تأثیر هویت‌های اجتماعی بر شکل‌گیری منافع و به تبع آن رفتار بازیگران تأکید دارند. در واقع، سازه‌انگاری معتقد است انگاره‌ها معنا و محتوای قدرت و راهبردهایی را تعیین می‌کنند که دولت‌ها از طریق آنها منافع را دنبال می‌کنند (یزدان‌فام، ۱۳۸۷: ۲۲۶). آنان معتقدند کارگزار و ساختار نقش و تأثیر متقابلی بر همدیگر دارند و هیچ‌کدام بر دیگری ارجحیت ندارد (کرمی، ۱۳۸۵: ۱۵۸). بنابراین رفتار و اندیشه مقاومت در هویت‌بخشی به مبارزه با نظام سلطه در سیاست خارجی عزت‌بخش و قدرت‌آفرین است.



## ۲. مبانی فقهی دفاع از جبهه مقاومت

و جوب دفاع از سرزمین‌های اسلامی از ضروریات فقه اسلام است؛ براساس آیات، روایات و ادله عقلی متعدد، جامعه اسلامی پیکره واحدی است و مسلمانان نمی‌توانند در قبال مهاجم بیگانگان به سایر هم‌کیشان بی‌اعتنا باشند؛ چنان‌که خدای متعال در قرآن کریم، با صراحت به حمایت و دفاع از ستم‌دیدگانی که مورد ظلم قرار گرفته و، از وطن و کاشانه خویش اخراج و آواره شده‌اند، فرمان می‌دهد: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلَكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ» (بقره/۱۹۱-۱۹۰). «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَادَمَتِ الصَّوَامِعَ وَبِيعَ وَصَلَوَاتُ وَمَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حج/۳۹-۴۰). «وَمَا لَكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» (نساء/۷۵): «چرا در راه خدا و برای رهایی مردان و زنان و کودکانی که [به دست ستمگران تضعیف شده‌اند] پیکار نمی‌کنید؟! همان افراد [ستم‌دیده‌ای] که می‌گویند: پروردگارا، ما را از این شهر [مکه] که اهلش ستمگرند، بیرون ببر، و از طرف خود برای ما سرپرستی قرار ده و از جانب خود، یار و یابری برای ما تعیین فرما».

از پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز روایت شده است: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»؛ «هر کس فریاد استغاثه هر مظلومی [اعم از مسلمان یا غیرمسلمان] را بشنود که مسلمانان را به یاری می‌طلبد، اما فریاد او را اجابت نکند، مسلمان نیست». در صحیح بخاری نیز از آن حضرت روایت شده است که فرمودند: «همه مسلمانان برادر یکدیگرند، به همدیگر ظلم نمی‌کنند و در مقابل دشمنان یکدیگر را رها نمی‌کنند و به خود وا نمی‌گذارند.» در مسند احمد بن حنبل نیز از آن حضرت آمده است: «هر کس مؤمنی نزد او خوار شود، ولی او را یاری نکند، در حالی که قادر بر نصرت او باشد، خداوند عزوجل، روز قیامت نزد تمام خلائق او را





خوار خواهد کرد.» دستور نورانی امام علی (ع) مبنی بر «كُونُوا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَّ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا» (همواره خصم ظالم و یار و یاور مظلوم باشید) نیز بر این نکته مهم دلالت دارد که در اسلام، مقابله با تهدید و ارباب، وظیفه‌ای همگانی است. همه باید یکپارچه، در برابر عوامل تهدید و ارباب بایستند و از مظلوم دفاع کنند و خصم ظالم باشند. بر این اساس، دفاع تنها بر کسانی واجب نیست که از سوی دشمن مورد هجوم قرار گرفته‌اند، بلکه همه مسلمانان وظیفه دارند در مقام دفاع از مسلمانانی که در بخشی از سرزمین‌های اسلامی مورد تجاوز قرار گرفته‌اند، دفاع کنند و با جان و مال خود، در راه خدا جهاد کنند و در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی، حمایت‌های لازم را به عمل آورند. این موضوع مورد اتفاق فقها و اندیشمندان شیعه و سنی است (پگاه حوزه، ۱۳۸۵، ش ۱۹۶).

- ابوالصلاح حلبی در این زمینه می‌نویسد: «اگر از بعضی کافران یا محارب‌ان خطری متوجه سرزمین‌های اسلامی شود، بر اهل هر منطقه‌ای جنگ با کسانی که در نزدیکی آنها هستند و دفاع از دارالایمان واجب است و بر کسانی که در مناطق دوردست زندگی می‌کنند، واجب است به نزدیک‌ترین مرزهای نبرد با کفار کوچ کنند؛ البته مشروط بر اینکه مناطق درگیر با کفار نیازمند یاری آنها باشند تا بدین وسیله، هر منطقه‌ای از سرزمین‌های اسلامی از وجود مجاهدان و مدافعان از حریم اسلام و مسلمین برخوردار شود و در این صورت، کوچ بر دیگران که در مناطق دور زندگی می‌کنند، ساقط شود.»

- شهید ثانی نیز با صراحت اعلام می‌کند: «جهاد دفاعی تنها بر مسلمانانی واجب نیست که مورد هجوم دشمن‌اند، بلکه بر هر کسی که از وضعیت مسلمانان خبر دارد، واجب است.» - کاشف الغطاء نیز آن را بر همگان واجب کفایی شمرده است؛ یعنی مادامی که مسلمین به مقدار نیاز به دفاع برنخاسته باشند، تکلیف از هیچ‌کس ساقط نمی‌شود.

- از دیدگاه آیت‌الله شیخ محمد مهدی شمس‌الدین «از مسلمات دینی، حرمت بی‌مبالاتی به تجاوز کفار بر مسلمین و احساس بی‌تفاوتی به آن است.»

- دکتر صبحی محمصانی نیز ضمن شمارش موارد جهاد دفاعی، یکی از اقسام آن را دفع تجاوز متجاوزان و ستمگران و کسانی که مسلمانان را از خانه‌هایشان آواره و از وطن‌شان اخراج کرده‌اند، آن‌گونه که برای امت فلسطین در قرن بیستم پیش آمد، می‌داند و می‌افزاید: «جهاد در این وضعیت، نه تنها جایز و مشروع است، بلکه از واجب‌ترین فرایض دین، ملی



و اجتماعی است و از مقومات و استوانه‌های کرامت و احترام وطن و ساکنان در آن است.»  
 - عمر احمد الفرجانی نیز چنین می‌نگارد: «اسلام قلمرو مکانی خاصی را برای دفاع از  
 مظلوم معین نکرده است. هر جا که ظلمی رخ بدهد، حتی در داخل کشورهای غیر اسلامی،  
 جهاد برای رفع ظلم از مسلمانان یا غیر مسلمانان مشروع است.»

- شیخ ناصرالدین البانی نیز با صحه گذاشتن بر جهاد دفاعی علیه دشمنی که به برخی  
 سرزمین‌های مسلمانان حمله کرده است، مصداق بارز آن را رژیم صهیونیستی غاصب  
 می‌داند و می‌گوید: «همه مسلمانان در قضیه فلسطین گناهکارند تا آن زمان که اشغالگران  
 صهیونیست را از سرزمین فلسطین بیرون برانند.»

- استاد شهید مطهری نیز در این زمینه می‌نویسد: «هر گاه گروهی با ما نخواهد بجنگد،  
 ولی مرتکب یک ظلم فاحش نسبت به یک عده افراد انسان‌ها شده است، و ما قدرت داریم آن  
 انسان‌های دیگر را که تحت تجاوز قرار گرفته‌اند، نجات دهیم، اگر نجات ندهیم، در واقع به ظلم  
 این ظالم نسبت به آن مظلوم کمک کرده‌ایم. ما در جایی که هستیم، کسی به ما تجاوزی نکرد؛  
 ولی یک عده از مردم دیگر که ممکن است مسلمان باشند و ممکن است مسلمان هم نباشند، اگر  
 مسلمان باشند، مثل جریان فلسطینی‌ها که رژیم صهیونیستی آنها را از خانه‌هایشان آواره کرده‌اند،  
 اموال‌شان را برده‌اند، انواع ظلم‌ها را نسبت به آنها مرتکب شده‌اند؛ ولی فعلاً به ما کاری ندارند،  
 آیا برای ما جایز است که به کمک این مظلوم‌های مسلمان بشتابیم برای نجات دادن آنها؟ بله،  
 این هم جایز است، بلکه واجب است. این هم یک امر ابتدایی نیست. این هم به کمک مظلوم  
 شتافتن است، برای نجات دادن از دست ظلم بالخصوص که آن مظلوم مسلمان باشد.»

- در تجاوز رژیم صهیونیستی به کشورهای اسلامی، حضرات آیات سید محسن حکیم،  
 سید هادی میلانی، شهاب‌الدین مرعشی نجفی، سید ابوالقاسم خویی، علی موسوی بهبهانی،  
 بهاء‌الدین محلاتی، سید عبدالله شیرازی و بسیاری دیگر از علما، با صدور اعلامیه‌هایی از  
 عموم مسلمانان خواستند به یاری مسلمانان مظلوم فلسطین و کشورهای مورد تجاوز بشتابند.  
 در بخشی از اطلاعیه آیت‌الله شیخ بهاء‌الدین محلاتی آمده است: «بر همه مسلمانان جهان  
 واجب است که از هرگونه مساعدت مادی و معنوی نسبت به اعراب مسلمان دریغ ندارند و هر  
 نوع معامله و ارتباطی که منشأ تقویت رژیم صهیونیستی بشود یا در آمادگی آنها برای مبارزه و  
 پیکار با کشورهای عربی دخالت داشته باشد، حرام و در حکم مبارزه با اسلام است.»



- حضرت امام خمینی (ره) در نهم اسفند ۱۳۶۶ طی سخنانی در جمع اعضای شورای مرکزی حزب الله لبنان فرمودند: «همه شیاطین مجتمع اند که نگذارند اسلام رشد کند و ما باید این معنا را در نظر داشته باشیم که با تمام قوا و تا آخرین نفرمان، مهیا شویم و در راه خدا جهاد کنیم. دفاع از نوامیس مسلمین و دفاع از بلاد اسلامی و دفاع از همه حیثیات مسلمین امری است لازم و ما باید خودمان را برای مقاصد الهی و دفاع از مسلمین مهیا کنیم و خصوصاً در این شرایطی که فرزندان واقعی فلسطین اسلامی و لبنان، یعنی حزب الله و مسلمانان انقلابی سرزمین غصب شده و لبنان با نثار خون و جان خود، فریاد «یا للمسلمین» سر می دهند، با تمام قدرت معنوی و مادی در مقابل رژیم صهیونیستی و متجاوزین بایستیم و در مقابل آن همه سفاکی ها و ددمنشی ها مقاومت و پایمردی کنیم و به یاری آنان بشتابیم و سازشکاران را شناسایی و به مردم معرفی کنیم» (بیانات امام (ره)، ۱۳۶۶/۱۲/۹).

مقام معظم رهبری معتقدند: «مقاومت، واکنش طبیعی هر موجود زنده ای در برابر تهدید است و انسان این مزیت را دارد که در مقابل تهدیدهایی به مراتب بزرگ تر از قدرتش، مقاومت و موجودیت خود را حفظ کند. از همه بالاتر انسان مؤمن انقلابی است که با مقاومت خود، امدادهای الهی را نیز دریافت و ناممکن ها را ممکن می کند. انقلاب اسلامی از همان روز نخست نهضت در سال ۴۲ ذلت استبداد و استعمار و استکبار را برنتابید و کتاب مقاومتش از آن زمان نوشته شد. در زمانه ای که جنگ نظامی به جنگ اقتصادی و فرهنگی و از همه مهم تر به جنگ اراده ها تبدیل شده است، ارزش مقاومت بیش از پیش معلوم می گردد.» بر این اساس رهبر معظم انقلاب اسلامی به جوانان دانشجو توصیه کردند که اندیشه مقاومت را تبیین و ترویج کنند. انتشارات انقلاب اسلامی برای تسهیل کار مبلغان و مبینان کتاب «اندیشه مقاومت» را به علاقه مندان معارف فکری معظم له تقدیم می کند. این کتاب جامع شامل همه بیانات ایشان در این زمینه است (میرزایی، ۱۳۹۸: ۲۳).

#### الف) اسلام و نفی سلطه

یکی از اصول اسلامی قاعده نفی سبیل یا نفی سلطه است که در قرآن به آن تصریح شده است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء/۱۴۱): «و خداوند هرگز راهی برای سلطه کفار بر مسلمانان قرار نداده است.» در صورت اجرا شدن این اصل، راه هرگونه سلطه و نفوذ سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی و غیره دشمن بسته می شود.

امام خامنه‌ای در ارتباط با نفی سلطه در اسلام می‌فرماید: «اسلام، تفکر اسلامی و روح برخاسته از ایمان قرآنی اجازه نمی‌دهد که یک ملت توانایی‌هایش سرکوب شود و استعدادهایش پامال شود. اجازه نمی‌دهد که به خاطر بی‌اعتنایی به توانایی ذاتی او، به حالت تخدیر شده بیفتد و دیگران بر سرنوشت او مسلط شوند» (بیانات رهبری، ۱۳۸۸/۱۱/۳۰).

همچنین در جای دیگری فرمودند: «امروز هم یک عده‌ای می‌گویند: آقا مگر می‌شود در مقابل این صفِ به‌هم‌پیوسته دشمنان مسلح به پول و زور و رسانه و اقتصاد و سیاست و همه چیز ایستاد؟ مگر می‌شود پیش برد؟ امروز هم همان حرف است. این یک تجربه است. بله، این حرف ما نیست؛ این حرف قرآن است: «اگر برای خدا پا در میدان گذاشتید و ایستادگی کردید، پیروزی قطعی است»: «وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلُوا الْأَذْبَارُ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا. سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (فتح/۲۳-۲۲). این فقط مربوط به ماجرای جنگ صدر اسلام نیست که «وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلُوا الْأَذْبَارُ»؛ لِسُنَّةِ اللَّهِ است. بله، آن وقتی که ما حرف حساب خودمان را بلد نباشیم، ندانیم، یا بلد نباشیم بگوییم و طرح کنیم، یا پای آن حرف نایستیم، یا وسط راه با وسوسه‌های شیطانی یا وسوسه‌های نفس یا تبلی‌ها یا سست کنیم، مجاهدت به جایی نخواهد رسید؛ معلوم است. بحث بر سر آنجایی است که «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» (حج/۴۰). دیگر از این تأکید، بالاتر نمی‌شود. اگر نصرت خدا بکنیم، نصرت خدا با فکر کردن، اندوختن اندیشه‌های ناب، مطرح کردن درست آن در عالم، پای آن ایستادن، تدبیر برای پیشبرد آن به کار بردن، در مقابل خطرات آن سینه سپر کردن، «لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ»؛ خدای متعال حتماً و قطعاً نصرت خواهد کرد. معنای «لَيَنْصُرَنَّ» این است؛ یعنی خدا حتماً و قطعاً نصرت می‌کند. «وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا» (نساء/۸۷) از خدا راستگوتر کیست؟ (بیانات رهبری، ۱۳۹۱/۱۰/۱۹).

### ب) نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری

شاید در قرآن کریم پس از موضوع جهاد در سیاست خارجی دولت اسلامی، بر هیچ مسئله سیاسی دیگری نظیر نفی ولایت غیر مسلمانان بر مسلمانان تأکید نشده باشد. این، اصلی مهم و حاکم بر سیاست و روابط خارجی دولت اسلامی با غیر مسلمانان تلقی می‌شود. التزام به این اصل می‌تواند راه نفوذ و سلطه کفار بر مسلمین و ضربه آنان بر استقلال در ابعاد



سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی را مسدود کند (حقیقت، ۱۳۸۷: ۱۱۸). مهم‌ترین هدف نهی و نفی دائمی و همیشگی تسلط کفار بر جوامع اسلامی، حفظ عزت و احترام مسلمانان است. اسلام، مسلمانان و جامعه اسلامی، از بالاترین منزلت و عزت نزد خداوند برخوردارند که مسلمانان نباید در رابطه و مناسبات اجتماعی، آن را مخدوش سازند به طوری که خداوند متعال در قرآن کریم عزت مسلمانان و مؤمنان را هم‌ردیف عزت خود و پیامبر اکرم (ص) قرار داده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۳۱). امام راحل ضمن اعلام برنامه مکتب اسلام در این خصوص در دو کلمه با عنوان «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره/۲۷۹) تأکید کردند که «دستور اسلام این است که نه ظلم بکنید نه زیر بار ظلم بروید. انظلام یعنی زیر بار ظلم رفتن که از ظلم کمتر نیست. انظلام به خود ظلم کردن به یک ملت ظلم کردن، ظالم هم از همین قماش، هر دوی در اسلام ممنوع است، نه شما حق دارید به کسی ظلم کنید نه حق دارید که از کسی ظلم بکشید» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۲۵۵). «همان‌طور که ظلم حرام است، انظلام و تن دادن به ظلم هم حرام است» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۱۱۷).

### ۳. مبانی حقوقی دفاع از جبهه مقاومت

علاوه بر مبانی فقهی، منابع حقوق بین‌الملل و حقوق اساسی کشورمان نیز حمایت از جبهه مقاومت را امری مشروع و به عنوان یکی از وظایف خارجی کشورمان قلمداد می‌کند.

#### الف) دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل

منشور ملل متحد در ماده ۵۱، دفاع مشروع را مطرح کرده و به رسمیت شناخته است: «در صورت حمله مسلحانه علیه یک عضو سازمان ملل متحد، تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی انجام دهد، هیچ‌یک از مقررات این منشور، به حق دفاع مشروع انفرادی یا دسته جمعی اعضا لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. اعضا باید اقداماتی را که در اعمال این حق دفاع از خود انجام می‌دهند، فوری به شورای امنیت گزارش دهند. این اقدامات، به هیچ وجه تأثیری در اختیار و مسئولیتی ندارد که شورای امنیت طبق این منشور برعهده دارد و به موجب آن، برای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی، هرگاه که ضروری تشخیص دهد، اقدام لازم را انجام خواهد داد.» حقوق دانان با توجه به



این ماده و اصول حقوق بین‌الملل، اجرای حق دفاع مشروع از خود را منوط به برخی شرایط کرده‌اند.

- وقوع تجاوز نظامی: طبق ماده ۵۱ منشور ملل متحد، به کارگیری حق دفاع مشروع به وقوع تجاوز و حمله نظامی محدود شده است.

- تناسب: شرط دیگری که هنگام انجام دفاع مشروع رعایت آن لازم است، وجود تناسب بین اقدامات دفاعی و عملیات تهاجمی است. در این ماده علاوه بر دفاع از خود فردی، برای دفاع دسته‌جمعی نیز مجوز اعطا شده است. در واقع این ماده به هر یک از اعضای سازمان ملل متحد این حق را می‌دهد که در قالب دفاع، به کمک کشور قربانی تجاوز بشتابند. بر این اساس، با توجه به حقوق بین‌الملل، عملیات مقاومت جنوب لبنان و فلسطین علیه نیروهای رژیم صهیونیستی، به هر شکل که صورت پذیرد، منتظره یا غیرمنتظره، در قالب جنگ‌های منظم یا نامنظم، از مشروعیت دفاع از خود برخوردار است و مورد حمایت عرف و حقوق بین‌الملل قرار دارد.

### ب) دفاع مشروع یا بازدارندگی

«دفاع مشروع قدرت بازدارنده است که به موجب آن حق انجام عملی برای شخصی علیه دیگری وجود دارد، تا خطر حقیقی، حال و غیرمشروع را دفع کند که حق محترم مسلمان یا کافر ذمی، اعم از نفس، مال یا عرض و ناموس را مورد تهدید قرار داده است» (امام خمینی، ۱۳۸۳: تبیان ۲۴). دفاع مشروع یا دفاع قانونی، قدرتی بازدارنده با هدف جلوگیری از خطرهایی است که رهایی از آن جز با ارتکاب جرم ممکن نیست (نجفی، ۱۳۷۲: ۴۳). دفاع مشروع، حقی است که قانون آن را به کسی داده است که خطر تجاوز او را تهدید می‌کند تا با نیروی لازم از آن جلوگیری کند (نجف آبادی، ۱۳۸۶: ۷۶). دفاع مشروع در اصطلاح حقوق جزایه حالتی اطلاق می‌شود که در آن شخص مورد تجاوز در صورت نداشتن وقت برای توسل به قوای دولتی برای دفع متجاوز حق دارد به نیروی شخصی، از ناموس، جان و مال خود یا دیگری دفاع کند (اللمحیدان، ۱۴۱۸: ۲۳۷). در تعریف دیگر می‌توان گفت: دفاع مشروع، حقی است که کشورها بر اساس آن می‌توانند از خود در مقابل حمله مسلحانه، با عکس‌العمل نظامی فوری دفاع کنند (حسینی، ۱۳۸۲: ۶۸). بازدارندگی



را به طور کلی می‌توان «استفاده یک طرف از مجموعه‌ای از تهدیدها برای قانع کردن طرف دیگر به عدم انجام یک عمل نامطلوب» تعریف کرد (Huth, 1999, 2: 25-48). به عبارت دیگر بازدارندگی، مفهومی است که در برآیند «تهدیدها» و «توان ملی»، به «امنیت ملی بدون جنگ» می‌انجامد. سطوح بازدارندگی عبارت است از: کاهش تهدید، منع تهدید و رفع تهدید. افزایش توان بر اساس آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...» (انفال/ 60) برای پیشگیری از تهدید دشمن اساس بازدارندگی و دفاع مشروع را تشکیل می‌دهد.

### ج) نظام سلطه، دشمن جبهه مقاومت

مهم‌ترین دشمن مقاومت نظام سلطه جهانی است که با زیاده‌طلبی درصدد استثمار و سلطه بر بشریت است. در رابطه با معنای نظام سلطه امام(ره) می‌فرماید: «نظام سلطه، یعنی نظامی که بر پایه رابطه سلطه‌گر و سلطه‌پذیر بنا شده؛ یعنی کشورهای دنیا یا مجموعه‌های بشری دنیا، تقسیم می‌شوند به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛ آن اتفاقی که امروز در دنیا افتاده [این است]؛ یک عده‌ای سلطه‌گرند، یک عده سلطه‌پذیرند» (بیانات امام(ره)، ۱۳۶۴/۴/۲۰). در این رابطه مقام معظم رهبری فرمودند: «نظام سلطه را با تمام ابعاد و لایه‌هایش بشناسید و اهداف و راهبردهای واقعی آن را تجزیه و تحلیل کنید و برای رویارویی با آن همه ظرفیت‌های خودتان را به کار گیرید و در این مسیر به وعده‌های خداوند اطمینان داشته باشید» (بیانات رهبری، ۱۳۹۲/۱۱/۲۳). حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به سیاست‌های طمع‌ورزانه آمریکا در منطقه آمریکای لاتین افزودند: «آمریکا این منطقه را حیطه خلوت خود می‌دانست، اما حرکت بی‌بدیل ونزوئلا توانست این منطقه را به نقطه‌ای مستقل و با هویت تبدیل کند». رهبر انقلاب هدف آمریکا از فشار بر ونزوئلا را نابود کردن مقاومت الهام‌بخش دولت و ملت ونزوئلا خواندند و خاطر نشان کردند: «جنگ‌های امروز دنیا در واقع «جنگ اراده‌ها» است و شما با ایستادگی و استحکام اراده‌ها و استفاده از ظرفیت‌های فراوان کشورتان خواهید توانست بر مشکلات پیروز شوید» (بیانات رهبری، ۱۳۹۴/۹/۲).

### د) حمایت از مقاومت در قانون اساسی

مهم‌ترین منبع و مأخذ برای شناخت اهداف و وظایف سیاست خارجی، قانون اساسی کشور است. مجموع اهداف سیاست خارجی کشورمان عبارت است از:

- تلاش برای تشکیل امت واحد جهانی؛
- حمایت از مستضعفان در برابر مستکبران؛
- تأمین منافع ملی و حفاظت از استقلال و حاکمیت ملی در عرصه بین‌المللی؛
- دفاع از سرزمین‌ها و حقوق مسلمانان؛
- دعوت به اسلام.

#### ۴. تقابل گفتمان مقاومت و گفتمان نظام سلطه

نتیجه جنگ جهانی اول فروپاشی امپراتوری عثمانی، اشغال فلسطین توسط رژیم صهیونیستی، اشغال و تقسیم جهان اسلام به ۵۴ کشور در سال ۱۹۱۶ بین کشورهای انگلیس و فرانسه در قالب طرح سایکس-پیکو بود. نتیجه جنگ جهانی دوم ۱۹۴۵ آغاز سلطه‌گری آمریکا به عنوان گفتمان لیبرالیسم و شوروی به عنوان گفتمان کمونیسم و در نتیجه سلطه دو ابرقدرت شرق و غرب بر کل جهان، تولد انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، ۲۹ سال بعد از تقابل جهان دوقطبی شرق و غرب برای حذف دیگری و رسیدن به حاکمیت یکجانبه بر جهان بوده است. در معادلات جهانی آن روز، تغییر رژیم در ایران، به طور غیرمستقیم تحولات ژئوپلیتیکی را در منطقه به دنبال داشت. در نگرش نظام بین‌الملل جدید، حاکمیت سیاسی ایران چالش بزرگی علیه محیط بین‌الملل است و برای تغییر یا تعدیل آن باید بر نقاط ضعف آن فشار آورد. در واقع به نظر می‌رسد برنامه خلع سلاح ایران که به صورت طرحی جامع از سوی نظام بین‌الملل دنبال می‌شود، صرفاً بهانه‌ای برای تغییر فرایند حاکمیت سیاسی یا دست‌کم تعدیل آن به نفع اصول و هنجارهای نظام بین‌الملل جدید است (افضلی، ۱۳۸۵: ۱۷۱). بنابراین سه گفتمان انقلاب اسلامی، گفتمان لیبرالیسم و گفتمان کمونیسم در رقابت و تقابل با یکدیگر قرار گرفتند؛ با این تفاوت که هر دو قدرت رقیب جهانی در دین‌ستیزی متفق و متحد بودند و انقلاب اسلامی مورد غضب آنها بود که در جنگ عراق هر دو ابرقدرت به صدام بعثی برای نابودی انقلاب اسلامی ایران کمک کردند.

با فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ عملاً گفتمان کمونیسم از صحنه بین‌المللی حذف شد و آمریکا تصمیم گرفت با راهبرد یکجانبه‌گرایی جهان را تحت سلطه خود قرار دهد. در نتیجه با طرح‌های خاورمیانه بزرگ، عراق را به عنوان دروازه ورود برای اجرای طرح خاورمیانه





بزرگ اشغال کرد و وارد محیط جهان اسلام شد تا جهان اسلام را به لحاظ فرهنگی استحاله و از اعتقادات دینی تهی کند و بر منابع و ذخایر خدادادی مسلمانان مسلط شود و از آن برای حاکمیت بر جهان بهره ببرد. در این مسیر تنها گفتمان مقاومت به عنوان اصلی ترین مانع در مقابل گفتمان لیبرالیسم استادگی و طرح آمریکا را با شکست مواجه کرد. سپس آمریکا طرح خاورمیانه جدید را با هدف تجزیه جهان اسلام به دو یست کشور در قالب سایکس-پیکوی جدید مطرح کرد که با حمله نظامی رژیم صهیونیستی برای اشغال لبنان آغاز شد. در این جنگ معروف به ۳۳ روزه نیز آمریکا و رژیم صهیونیستی شکست خوردند. سپس طرح معامله قرن را برای حفظ موجودیت رژیم صهیونیستی مطرح کردند. در زیر به ابعاد و نتایج طرح های آمریکا و رژیم صهیونیستی اشاره شده است.

#### ۵. طرح های خاورمیانه بزرگ و جدید<sup>۱</sup>

این طرح یکی از توطئه های خطرناک صهیونیسم بین الملل و نظام سلطه جهانی در قبال منطقه و کشورمان بود. نومحافظه کاران آمریکا، پس از به قدرت رسیدن در انتخابات سال ۲۰۰۰، ضمن تعیین اهداف راهبردی آمریکا در خاورمیانه، ایجاد نظم هژمونیک و برتری جهانی ایالات متحده را از رهگذر تشکیل خاورمیانه بزرگ (دربگیرنده جهان اسلام) مورد توجه قرار دادند. راهبرد آمریکا در این طرح، سه مرحله داشت:

۱. فروپاشی نظم موجود؛ اشغال کشورها مانند برنامه ای که بعدها در عراق و افغانستان پیاده کردند.
۲. دوران گذار؛ دوران ناامنی مدیریت شده تا رژیم هایی مانند عراق را به یک رژیم مطلوب تبدیل کند.
۳. دوران الگوسازی؛ در این دوره قصد دارند یک رژیم مطلوب به وجود آورند تا الگوی کشورهای دیگر شود.

در واقع این طرح برای حفظ استیلای ایالات متحده در قرن ۲۱ میلادی طراحی شد. ریشه طرح خاورمیانه بزرگ همان طرح شیمون پرز در مورد خاورمیانه بود که آن را در سال ۱۹۹۳ در کتاب «خاورمیانه جدید» خود مطرح کرد. این طرح در سه مرحله برنامه ریزی شده بود:

**مرحله اول:** حملات یازدهم سپتامبر و حمله نظامی به افغانستان با شعار مبارزه با تروریسم این مرحله با حملات یازدهم سپتامبر شروع شد. مقامات کاخ سفید با توسل به این واقعه توانستند زمینه لازم را برای ایجاد طرح خود مهیا کنند. بنابراین به بهانه مقابله با تروریسم در سال ۲۰۰۱ افغانستان را اشغال کردند. آمریکایی‌ها از نتیجه طرح خاورمیانه بزرگ چنان مطمئن بودند که هزینه‌ای مانند حادثه ۱۱ سپتامبر و تخریب امنیت ایالات متحده همراه با کشتار سه‌هزار نفر را پذیرفتند.

### مرحله دوم: ظاهر فریبی با شعار اصلاحات اجتماعی و اقتصادی

در این مرحله ایالات متحده سعی کرد برای فریب افکار عمومی و به حداقل رساندن مقاومت‌ها، با شعار گسترش دموکراسی و توسعه انسانی منطقه به میدان آید. این مرحله با سخنان کالین پاول در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۲ در بنیاد هربیتیج کلید خورد. دیک چنی، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، در اجلاس سازمان جهانی اقتصاد (WTO) در ژانویه ۲۰۰۳ در نشست داووس سوئیس سیاست آمریکا را راهبرد پیشرو برای آزادی نامید و تأکید کرد: «دولت آمریکا متعهد است دموکراسی را در سراسر خاورمیانه و فراسوی آن ارتقا ببخشد.» نیکلاس برنز، نماینده ایالات متحده در ناتو، در اکتبر ۲۰۰۳ در پراگ، پایتخت جمهوری چک، تأکیدی دوباره بر طرح خاورمیانه بزرگ داشت. برژینسکی در کتابی با عنوان «کج‌راهه فروش دموکراسی به اعراب» می‌نویسد: وقتی پیش‌نویس این طرح ماه گذشته در الحیات، روزنامه عربی چاپ لندن، انتشار یافت، رهبران عرب به سرعت واکنش نشان دادند. حتی حسنی مبارک، رئیس‌جمهور مصر، تا آنجا پیش رفت که این طرح را «توهم‌آمیز» خواند. دولت آمریکا طرح خود برای خاورمیانه بزرگ را در نوامبر ۲۰۰۳ رسماً اعلام کرد و پیش‌نویس آن را در ژوئیه ۲۰۰۴ تحویل کشورهای گروه هشت داد تا در اجلاس آینده گروه مورد بررسی قرار گیرد. به دنبال مخالفت کشورهای عربی، این طرح ظاهری متعادل‌تر به خود گرفت و با نام طرح «خاورمیانه گسترده» در ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۴ در نشست «سی آیلند» گروه هشت به تصویب رسید.



## مرحله سوم: آشکارسازی اهداف اصلی طرح برای تغییر جغرافیای سیاسی

رالف پیترز، سرهنگ دوم بازنشسته آمریکا و کارشناس کاخ سفید، در مقاله‌ای در نشریه «نیروهای مسلح آمریکا» خواستار تغییر جغرافیای سیاسی منطقه برای تأمین منافع رژیم صهیونیستی و آمریکا شد. در این طرح، او پیشنهاد تجزیه کشورهای منطقه و تشکیل کشورهای جدیدی را مطرح کرد. به دنبال نمایش نقشه خاورمیانه جدید در دانشکده نظامی ناتو در رم، برخی مقامات کشورهای منطقه موضع گرفتند؛ از جمله مقامات ترکیه بلافاصله به علت نمایش تصویر تجزیه‌شده ترکیه اعتراض کردند. جیمز ولسی، رئیس وقت سیا، معتقد بود عربستان باید به سه کشور کوچک تقسیم شود.

کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه وقت آمریکا، در زمان جنگ ۳۳ روزه لبنان در تابستان ۲۰۰۶ گفت: «آنچه ما در آنجا شاهدش هستیم، دردهای زایمان یک خاورمیانه جدید است. ما باید مطمئن باشیم که به سوی این خاورمیانه قدم برمی‌داریم و نه برای بازگشت به خاورمیانه پیشین.» سنای آمریکا رسماً قصد خود را برای تجزیه کشورهای منطقه، با مصوبه رسمی ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۷ مبنی بر تجزیه عراق به سه منطقه فدرالی، افشا کرد.

- اهداف آمریکا: آنان با این برآورد که سیطره بر خاورمیانه کوچک (افغانستان، عراق، سوریه، لبنان و...) و تبدیل آن به یک پادگان نظامی، امکان تحقق طرح خاورمیانه بزرگ و اهداف راهبردی مد نظر آمریکا را میسر خواهد کرد، مدل بازی دومینو و ساقط کردن دولت‌های هدف، با استفاده از قدرت سخت‌افزاری را پیش گرفتند. مهم‌ترین اهداف آمریکایی‌ها از این طرح عبارت بودند از:

۱. تأمین منابع نفت مورد نیاز آمریکا در دهه‌های آینده و کنترل شریان نفت به عنوان اهرمی برای مهار اروپا و شرق آسیا؛

۲. تأمین امنیت رژیم صهیونیستی، به عنوان مهم‌ترین متحد راهبردی آمریکا؛

۳. جایگزینی دموکراسی‌های کنترل‌شده، با توجه به تمام شدن تاریخ مصرف استفاده از دولت‌های دست‌نشانده و مستبد برای مقابله با موج اسلام‌گرایی و مهار امواج مردمی معترض به حکومت‌های دست‌نشانده؛

۴. زمینه‌سازی برای برتری تمدن غرب، با حضور در خاستگاه مهم‌ترین تمدن‌های جهان و جلوگیری از اتحاد تشکیل بلوک تمدنی در برابر غرب و ترویج فرهنگ و هنرهای مد نظر



غرب با بهره‌گیری از سازکارهای تربیتی، آموزشی و استفاده از ابزار رسانه‌ها برای استحاله تمدن اسلامی؛

۵. فرایند ملت‌سازی با تحریک قومیت‌ها، تجزیه کشورها و تغییر جغرافیای سیاسی در خاورمیانه؛

۶. مقابله و مهار موج فزاینده اسلام‌گرایی در این منطقه و بخش‌های پیرامونی.

### نقشه خاورمیانه جدید

این نقشه را نخستین بار رالف پیترز، سرهنگ بازنشسته ارتش آمریکا، تهیه کرد و در نشریه «نیروهای مسلح آمریکا» در ژوئن ۲۰۰۶ به چاپ رسید. او معتقد بود «طراحی دوباره مرزهای خاورمیانه» و تجزیه خاورمیانه به کشورهای کوچک‌تر و تغییر مرزها، همان‌گونه که در نقشه آورده شده، راه‌حل اساسی مشکلات خاورمیانه معاصر خواهد بود. ریشه دیدگاه‌های او به دوره ریاست جمهوری وودرو ویلسون در دوره جنگ جهانی اول باز می‌گردد. آمریکایی‌ها از آن دوره نیز چنین خیالاتی را در سر می‌پروراندند. این سرهنگ آمریکایی معتقد است تنها راه‌حل خاورمیانه پاره‌پاره شدن این منطقه است. نقشه مذکور در مورد خاورمیانه جدید بخش کلیدی کتاب این سرهنگ بازنشسته است که با عنوان «ترک میدان نبرد، هرگز» در ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۶ منتشر شد. نقشه طراحی مجدد خاورمیانه بار دیگر با عنوان «مرزهای خونین: چگونه خاورمیانه‌ای بهتر ممکن خواهد بود؟» مطرح شد. اسرائیل شاهاک، از پژوهشگران منتقد رژیم صهیونیستی، می‌گوید تجزیه منطقه در راستای منافع رژیم صهیونیستی است، زیرا بقای رژیم صهیونیستی بزرگ تنها در صورت تجزیه و تضعیف کشورهای عربی منطقه امکان‌پذیر خواهد شد.

### ۶. عزت ملی، حمایت از مقاومت در شکست طرح‌های صهیونیستی نظام سلطه

در گام اول انقلاب اسلامی، نظام سلطه جهانی طرح‌های مختلفی را برای توسعه سلطه خود به ویژه در جهان اسلام به میدان آورد که مهم‌ترین آنها پس از فروپاشی شوروی، طرح خاورمیانه بزرگ، طرح خاورمیانه جدید، جریان تکفیری داعش و طرح معامله قرن برای اشغال کامل فلسطین بود. تنها مانع در مقابل توطئه‌ها و طرح‌های نظام سلطه، جریان مقاومت با محوریت جمهوری اسلامی بود که در حد مجال بحث به آنها اشاره می‌شود.



## الف) شکست طرح خاورمیانه بزرگ

نومحافظه‌کاران آمریکا با طراحی حادثه یازدهم سپتامبر و به بهانه مبارزه با تروریسم، افغانستان و عراق را با تهاجم نظامی اشغال کردند. در افغانستان پس از ۱۸ سال، در تلاش‌اند بدون نتیجه بلکه با حداقل خسارت از این کشور خارج شوند. در عراق هم که آمریکا اشغال آن را دروازه ورود به اجرای طرح خاورمیانه یاد کرده بود، مجبور شدند پس از ۸ سال اشغال، با خسارت سنگین معنوی و هشت هزار میلیارد دلار مادی در سال ۲۰۱۱ این کشور را ترک کنند. طمع آمریکا در بازگشت به عراق موجب شد دستاوردی نداشته باشد و بین ماندن، هزینه کردن و پذیرش شکست و خروج از عراق به دنبال راهکار باشد. در واقع آمریکا در اولین گام‌های خود در اجرای طرح خاورمیانه بزرگ در عراق و افغانستان با پدیده‌ای روبه‌رو شد که پیش‌بینی آن را نکرده بود. ملت‌های مسلمان با حمایت‌های معنوی ایران و جریان مقاومت در برابر زیاده‌خواهی، تجزیه و استعمار آمریکایی‌ها ایستادند. شروع بیداری اسلامی در کشورهای عربی شرایط را به سمتی بُرد که آمریکا فقط برای حفظ شرایط موجود و همچنین حفظ موجودیت رژیم صهیونیستی که بیشتر از همیشه در معرض نابودی قرار گرفته بود، دست و پا بزند. اشتباه آمریکا در به شهادت رساندن حاج قاسم و ابومهدی شرایط ماندن در عراق را برای این کشور پیچیده‌تر کرد؛ از این رو ناچار شد در مقابل مقاومت در افغانستان و عراق، شکست را بپذیرد.

## ب) شکست طرح خاورمیانه جدید

سابقه طرح موسوم به خاورمیانه جدید درست پس از نشست شرم‌الشیخ در سال ۱۹۶۶ بود. شیمون پرز، نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی، با اعلام «عملیات خوشه‌های خشم» در لبنان در آوریل ۱۹۹۶ دیدگاه خود از این طرح را اعلام کرد. در جریان جنگ سال ۲۰۰۶ لبنان (جنگ ۳۳ روزه)، کاندولیزو رایس، وزیر خارجه سابق آمریکا، آغاز اجرای طرح خاورمیانه جدید را کلید زد. پس از تقریباً یک دهه تلاش‌های سیاسی برای حل اختلاف بین فلسطینی‌ها و رژیم صهیونیستی، آمریکا تصمیم به استفاده از یک نیروی خصمانه برای کنار گذاشتن راه‌حل صلح‌آمیز این اختلاف گرفت و از رژیم غاصب‌اسرائیل برای حمله به لبنان و تخریب زیرساخت‌ها حمایت کرد. این طرح پس از شکست آمریکا و رژیم صهیونیستی برای تحمیل



شرایط خود در توافق آتش بس جنگ در لبنان ناکام ماند. لبنان پس از ۳۳ روز به پیروزی رسید. کمیسون وینوگراد پس از تحقیقات در مورد علت های شکست اسرائیل در جنگ ۲۰۰۶ اعلام کرد مقاومت حزب الله ورق را در طرح خاورمیانه جدید به نفع خود برگرداند.

### ج) شکست طرح تکفیری- داعشی

در سال ۲۰۱۱ با حمایت آمریکا و رژیم صهیونیستی از جریان های تکفیری، جنگ داخلی در سوریه و عراق آغاز شد، اما تروریست های تحت حمایت آمریکا در سرنگونی دولت سوریه شکست خوردند. شکست تروریست ها دیدگاه قدیمی پرز را بار دیگر احیا کرد و مرحله سوم طرح خاورمیانه جدید آغاز شد. دولت آمریکا شیوه اقتصادی را برای حل مشکل اعراب و رژیم صهیونیستی پیشنهاد کرد تا از این طریق به راه حل سیاسی دست یابد که بیشتر با جنگ موفق به دستیابی به آن نشده بود و در قالب وادار کردن کشورهای عربی به سازش با رژیم صهیونیستی [آن را اجرایی کرد].

### د) شکست طرح معامله قرن

جرد کوشنر، داماد ترامپ و فرستاده واشنگتن در خاورمیانه برای دستیابی به معامله قرن، تصمیم گرفت شعار معروف «زمین برای صلح» را به شعار «صلح برای رفاه» تغییر دهد. وی مدعی است چنین شعاری اختلاف بر سر مشکلات اقتصادی را کاهش می دهد؛ فقدان پیش نویس توافق در مورد مسائل بزرگ سیاسی به ویژه حاکمیت فلسطین، وضعیت قدس و حق بازگشت فلسطینی ها پیشنهاد مالی کوشنر را تلاش برای رشوه به فلسطینی ها جلوه می دهد. دولت ترامپ گام های بزرگی را در تقویت اشغالگری رژیم صهیونیستی برداشته است؛ از جمله الحاق قدس، بلندی های جولان، ۳۰ درصد از کرانه باختری و... به سرزمین های اشغالی. محور مقاومت گام های مهمی را در جنگ سوریه، یمن و عراق برداشته و توانسته است جلوی ترامپ و متحدانش را برای اجرای معامله قرن که می تواند عامل حذف مسئله فلسطین شود، بگیرد؛ از این رو سومین مرحله طرح صهیونیستی نیز شکست خورده است.



## نتیجه گیری

انقلاب اسلامی، به عنوان گفتمان مستقل از دو ابرقدرت شرق و غرب، با حمایت از جبهه مقاومت و ایستادگی در مقابل نظام سلطه جهانی، به خوبی استقلال سیاسی خود را حفظ کرد. در تدوین قانون اساسی نیز با درج اصول اسلامیت و جمهوریت در سیاست خارجی، از ابتدای انقلاب روابط سیاسی خود را با رژیم صهیونیستی غاصب و آمریکای جنایتکار قطع کرد و روابط با مصر را نیز به دلیل خیانت در کمپ دیوید به حداقل رساند.

تقابل نظام سلطه با انقلاب اسلامی و ایستادگی ایران در مقابل ظلم به ویژه ظلم رژیم صهیونیستی در حق ملت فلسطین و کوتاه نیامدن در مقابل آمریکا، انقلاب اسلامی را در دنیا به قدرت مقاومت تبدیل کرده است. حمایت از حزب الله لبنان و ملت افغانستان در شرایط سخت جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، قدرت مقاومت ایران را افزایش داد. کمک به مردم افغانستان در مقابل شوروی و آمریکا، کمک به مردم عراق در مقابل اشغال این کشور توسط آمریکا و حمایت مستمر از ملت فلسطین دامنه حمایت های ایران از مقاومت را افزایش داد. درگیری نظامی ایران با جریان داعش در عراق و سوریه و به کارگیری بسیج جهانی از جمله حزب الله، حیدریون، فاطمیون، زینیون و... در مقابل تکفیری ها در سوریه و کمک به شکل گیری حشد الشعبی و حمایت از آنها در جنگ علیه داعش و همچنین حمایت از بیداری اسلامی در کشورهای اسلامی به ویژه مقاومت ملت یمن، جمهوری اسلامی را به قدرت فرامنطقه ای تبدیل کرد. نابودی داعش به دست مقاومت محبوبیت و عزت جمهوری اسلامی و مقاومت را در اوج خود قرار داد. برهم زدن طرح های منطقه ای غرب علیه جهان اسلام توسط مقاومت به ویژه طرح های خاورمیانه بزرگ و طرح خاورمیانه جدید و دفاع از ملت فلسطین در مقابل معامله قرن، برتری انقلاب اسلامی در مقابل آمریکا و رژیم صهیونیستی را به حدی رساند که می توان گفت هیچ گاه رژیم صهیونیستی و آمریکا تا این حد ضعیف نشده بودند و جبهه مقاومت هیچ گاه به این مرحله و سطح از قدرت نرسیده بود. بنابراین امروزه عزت پیروزی بر نظام سلطه آمریکا، رژیم صهیونیستی و جریان تکفیری از آن جبهه مقاومت با محوریت ایران است.

در حقیقت می توان گفت تقابل با آمریکا موجب شده است امنیت جهانی ایجاد شود. مخالفت و ممانعت با طرح های رژیم صهیونیستی موجب عقب نشینی رژیم صهیونیستی



از سلطه بر نیل تا فرات شده است و شکست داعش نیز امنیت برای جهان اسلام و حتی کشورهای غربی را به دنبال داشته که همه این پیروزی‌ها مدیون تلاش جبهه مقاومت است. امروز همه مسلمانان، مستضعفان و آزادی‌خواهان جهان رفتار و مقاومت انقلاب اسلامی را ستایش می‌کنند.

جنایت آمریکا در ترور شهیدان حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی و پاسخ ملت‌های ایران و عراق به جنایت آمریکا نشان داد آمریکا ناگزیر از روش‌های ناجوانمردانه بهره می‌برد، در حالی که مقاومت با جوانمردی جواب دشمن خود را می‌دهد. روابط خارجی جمهوری اسلامی در تقابل با دوستان و دشمنان توانسته است باور جهانی را در شکست‌پذیر بودن نظام سلطه و رژیم صهیونیستی تغییر دهد و موجب پیروزی مقاومت در مقابل دشمن شود. بنابراین عزت ملی در سایه حمایت از مقاومت و ایستادگی در مقابل ظلم و ستمگر همچنان رو به افزایش است و باید روابط خارجی در همین مدار به حرکت مقتدرانه خود ادامه دهد.

## منابع فارسی و عربی

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- بیانات حضرت امام (ره)
- بیانات مقام معظم رهبری (مدظله)
- ابراهیمی فر، طاهره (۱۳۸۱)، الگوهای اعتمادسازی در منطقه خلیج فارس، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- اسمیت، استیو، امیلیا هدفیلد و تیم دان (۱۳۹۱)، سیاست خارجی، نظریه‌ها، بازیگران و موارد مطالعاتی، ترجمه امیرمحمد حاجی - یوسفی، محسن محمودی و ایوب کریمی، ج ۱، تهران: سمت.
- افضلی، رسول (۱۳۸۵)، «پیامدهای ژئوپلیتیکی یازدهم سپتامبر در منطقه خاورمیانه»، پژوهش‌های جغرافیایی، ش ۵۷، پاییز.
- برینر، برت اف (۱۳۷۵)، «سکولاریسم و دین»، ترجمه افروز اسلامی، نامه فرهنگ، س ۶، ش ۲، تابستان.





- بیلیس، جان، استیو اسمیت و دیگران (۱۳۸۳)، جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین (زمینه تاریخی، نظریه‌ها، ساختارها و فرایندها، ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی و دیگران، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- پگاه حوزه (۱۳۸۵)، «نگرشی بر مبانی حمایت از مقاومت اسلامی در سیاست خارجی ایران»، قم، ۴ آذر.
- پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۵)، «چالش‌های جامعه ایران از منظر جغرافیای سیاسی»، پژوهش‌های جغرافیایی، ش ۵۷.
- تامس، آلن (۱۳۸۳)، «ارزش چیست؟»، ترجمه عزت‌الله فولادوند، نشریه بخارا، ش ۳۷، تهران.
- تیممی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۸۳)، غررالحکم و دررالحکم، عبدالواحد بن محمد تیممی، انتخاب احادیث و ترجمه محسن موسوی، قم: دارالحدیث.
- حسینی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۲)، جهاد و حقوق بین‌الملل، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حقیقت، سید صادق (۱۳۸۷)، مبانی اندیشه سیاسی اسلام، تهران: سمت.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت.
- روشندل، جلیل (۱۳۷۴)، امنیت ملی و نظام بین‌المللی، تهران: سمت.
- سهرابی، محمد (۱۳۸۴)، استراتژی دفاعی در اندیشه امام خمینی، تهران: نشر عروج.
- عمید زنجانی عباسعلی (۱۳۷۵)، مبانی اندیشه اسلام، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- قوامی، عبدالعلی (۱۳۸۶)، «چالش‌های نظری پیرامون امنیت ملی و بین‌المللی»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، بهار.
- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۵)، «تحول نظریه‌پردازی در سیاست خارجی»، ایراس، مؤسسه فرهنگی مطالعات روسیه و آسیای مرکزی و قفقاز، تهران، س ۱، ش ۲.
- کوبالکواوا، وندولکا (۱۳۹۲)، سیاست خارجی در جهان برساخته، ترجمه مهدی میرمحمدی و علیرضا خسروی، تهران: پژوهشگاه مطالعات راهبردی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- اللحیدان، صالح (۱۴۱۸ق)، الجهاد فی الاسلام، الرياض: دار الصمیعی.

- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۰)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، چ اول، تهران: سمت.
- موسوی خمینی، روح‌الله (ره) (۱۳۸۳)، جنگ و دفاع در اندیشه امام خمینی، تبیان ۲۴، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- میرزایی، سعید صلح (۱۳۹۸)، اندیشه مقاومت از منظر امام خامنه‌ای، تهران: انقلاب اسلامی.
- نجف آبادی، صالحی (۱۳۸۶)، جهاد در اسلام، تهران: نشر نی.
- نجفی، محمدحسین (۱۳۷۲)، جواهر الکلام، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- یزدان‌فام، محمود (۱۳۸۷)، «مقدمه‌ای بر تحلیل سیاست خارجی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۱۱، ش ۴۰.

### منابع انگلیسی

- Hopf, Ted” (2000) The Promise of Constructivism ,in International Relations Theory ,“in :A Linklater(ed)
- Huth ,P .K” (1999) .Deterrence and International Conflict :Empirical Findings and Theoretical Debate,“Annual Review of Political Science,2.
- International Relations: Critical Concepts in Political Science, London: Routledge.
- Smith, Steve (1997), “New Approaches to International Relations Theory”, in:John Baylis and Steve Smith(eds), The Globalization of World Politics, Oxford univ. Press.

